

ماه من تو را می گویم

تو که مخاطب خاص هر ثانیه ی منی

نوشته هایم که جای خود دارد

روزهایی که می گذرد بیشتر از همیشه دلتنگ تو ام

اگر گاهی زیاد حساس می شوم، یا بهانه می گیرم

مرا ببخش

آنقدر افکارم در نبودت آشفته شده که گاهی

این آشفتگی ها به کلامم هم راه باز می کند

تا شاید از دلتنگی و سنگینی این قلب عاشق قدری کاسته شود

گاهی به یکباره آنقدر تمام وجودم تمنای بودن را می کند

که در خیال هیچ کس نمیگنجد،

اینطور بشود تمام زندگیت را به وجود مهربان کسی گره زد

فقط قدری بیشتر بودن را طلب می کنم

از تویی که تا ابد هرگز کسی نمیتواند لحظه ای قلبم را

از دوست داشتنت رها سازد

تا شاید تحمل پذیر تر شود روزهای سخت دلتنگی

خودم را با آرامش وجود مهربانت آرام کنم از این خیاللات کشنده

به تو نیاز دارم

بیشتر از هر آنچه در زمین و آسمان هاست

اصلا به جز وجود پاک تو ، هیچ چیز این جهان بیکران را

هرگز جدی نگرفته ام

مبادا لحظه ای فکر کنی احساسم نسبت به تو

حتی به قدر یک ذره دچار نقصان شده

که این از محاللات است

بر من ببخش در هم ریختگی این روزهایم را

هنوز بیشتر از همیشه و تا ابد این قلب به عشق می تپد

آغوش تو را میخواهم که مترادف آرامش است

حالا دیگران هر چه میخواهند بیاغند با ذهن های منجمدشان

امن ترین نقطه ی دنیا برای من ،

آغوش گرم توست و حالا با تمام وجود میخواهم

محکم مرا در بغل خودت بگیری

تا شاید خالی شوم

و آرام بگیرم در میان بازوانت

تا بشنوی صدای تپش های قلبم را

و احساس کنی این قلب ساخته شده برای دوست داشتنت

که هرگز دیگر برای هیچ کس مکانی ندارد

پر شده از عشق تو که برای همیشه ملکه ی این قلب هستی

عاشقت هستیم ای تک فرشته ی زندگیم

پسر پاییز

چه بی پروا دلم
آغوش ممنوعه ای را
میخواهد...

که تنها شرعی بودنش را

من می دانم و دوست
دارم

